

# آشنایی با مکاتب اقتصادی مکتب بانکداری، مکتب پول (در گردش) و مکتب بانکداری آزاد

آنا. ژ. شوارتز<sup>۱</sup>

ترجمه سیدحسین میرجلیلی

(دکترای اقتصاد، استادیار پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

۴. آیا انتشار بی رویه پول یک مسأله است و در این صورت، مسؤل انتشار بی رویه پول کیست؟

۵. پول چگونه باید تعریف شود؟

۶. چرا دورهای تجاری رخ می‌دهد؟

۷. آیا باید بانک مرکزی وجود داشته باشد؟

پاسخ مکتب بانکداری آزاد به آخرین پرسش، منفی و پاسخ دو مکتب دیگر مثبت بود، دیدگاه‌های این دو مکتب نیز در این زمینه بسیار متفاوت بود همان طور که درباره پرسش از قواعد در مقابل مقامات نشان داده شد آن چه میان مکاتب سه‌گانه مورد اختلاف نبود عملی بودن<sup>۷</sup> نظام استاندارد طلا با تبدیل‌پذیری طلای اسکناس‌های بانک (مرکزی) انگلستان بود.

در چه زمینه‌هایی مکاتب یاد شده با یکدیگر اختلاف نظر داشتند؟ هر یک از سه پرسش نخست، دکتترین‌های کانونی را مشخص می‌کردند که طرفداران یکی از مکاتب در آن نقش داشتند:

درباره بقیه پرسش‌ها، دیدگاه شخصیت‌های اصلی هر مکتب با مکتب دیگر تفاوت داشت. پیش از مشخص کردن مواضع هر یک از مکاتب یاد شده در مباحث پولی، به معرفی زمینه نهادی و شخصیت‌های اصلی هر مکتب می‌پردازیم.

مورخان اندیشه اقتصادی به طور معمول مباحثات پولی بریتانیا از دهه ۱۸۲۰ به بعد را با تمرکز بر این پرسش ارائه می‌کنند که آیا سیاست اقتصادی باید تحت کنترل قواعد باشد (که مورد حمایت طرفداران مکتب پول در گردش است)، یا به مقامات پولی<sup>۲</sup> باید اجازه داده شود که طبق صلاحدید<sup>۳</sup> عمل کنند (که مورد حمایت طرفداران مکتب بانکداری است)؟ در واقع درباره بسیاری پرسش‌های دیگر طرفداران مکتب بانکداری آزاد با دو مکتب دیگر اختلاف نظر داشتند از جمله پرسش‌های افرادی که مورد غفلت قرار گرفته یا به دوستی شناخته نشده‌اند، مطرح شده است.<sup>۴</sup>

از جمله موارد مورد اختلاف این پرسش‌ها بودند:

۱. آیا نظام بانکی باید از اصل مکتب پول (در گردش) پیروی کند که می‌گوید: انتشار اسکناس باید به نسبت یک به یک با دارایی طلای بانک انگلستان تغییر کند؟

۲. آیا دکتترین‌های مکتب بانکداری، یعنی برات‌های واقعی<sup>۵</sup>، نیازهای تجارت و قانون بازگشت<sup>۶</sup>، معتبر هستند؟

۳. آیا انحصار انتشار اسکناس مطلوب است یا آن گونه که مکتب بانکداری آزاد معتقد است انحصار انتشار اسکناس موجب بی ثباتی است؟





## زمینه نهادی

بانک (مرکزی) انگلستان در ۱۶۹۴ همزمان با مباحثات یاد شده به عنوان یک نهاد خصوصی با مزایای ویژه تاسیس شد و در رأس نظام بانکی بریتانیا قرار گرفت. تا ۱۸۲۶ منشور<sup>۸</sup> بانک به معنای ممنوعیت سایر بانک‌های سهامی عام<sup>۹</sup> در انگلستان تفسیر شده بود. در نتیجه، تاسیس بانک یا به صورت پنگاه‌های یک نفره بود یا به صورت شرکت‌هایی که بیش از شش عضو نداشتند. دو نوع بانک در انگلستان برتری داشتند. بانک‌های خصوصی ثروتمند لندن که به طور داوطلبانه مزیت انتشار اسکناس‌شان را واگذار کردند و بانک‌های کشور<sup>۱۰</sup> که تقریباً به طور انحصاری به کار انتشار اسکناس می‌پرداختند. شکست‌های متعدد بانک‌های کشور نشان داد که تأثیر منشور بانک (مرکزی) انگلستان، تسریع شکل‌گیری واحدهای بانکی با اندازه غیراقتصادی بوده است.

بانکداری در ایرلند از بانکداری انگلستان الگو گرفت. بانک (مرکزی) ایرلند در ۱۷۸۳ با مزیت انحصاری بانکداری سهامی عام تاسیس شد و در ۱۸۲۱ انحصار آن در مکان‌های دورتر از ۵۰ مایل از دوبلین<sup>۱۱</sup>، واگذار شد. در ۱۸۴۵ بانکداری سهامی عام در تمامی ایرلند اعتبار قانونی یافت.

بانک (مرکزی) اسکاتلند در ۱۶۹۵ با مزایای مشابه مزایای بانک (مرکزی) انگلستان تاسیس شد، البته برای توسعه تجارت نه برای حمایت از اعتبار دولت. بانک (مرکزی) اسکاتلند در ۱۷۱۶ انحصار خود را از دست داد و هیچ قانون بانکداری انحصاری دیگری در اسکاتلند به تصویب نرسید. با امکان پذیر شدن ورود آزاد، بسیاری از بانک‌های خصوصی محلی و سهامی عام تاسیس شدند، اغلب بانک‌های سهامی عام سرمایه لازم را تأمین کردند و نظام سراسری شعب بانکی گسترش یافت. برخلاف نظام بانکی انگلستان، انتشار بی‌رویه<sup>۱۲</sup> اسکناس در نظام اسکاتلند مسأله نبود. بانک‌ها، اسکناس‌های یکدیگر را می‌پذیرفتند و نظام مبادله اسکناس را به وجود آوردند. سهامداران بانک‌های سهامی عام اسکاتلند (به جز سه بانک تاسیس شده) با مسئولیت نامحدود<sup>۱۳</sup> تاسیس شدند. در زمان مباحثات یاد شده میان مکاتب سه‌گانه، بانکداری در اسکاتلند در مرحله بسیار پیشرفته‌تری از بانکداری در انگلستان بود.

## شخصیت‌های اصلی در مباحثات

سخنگویان اصلی مکتب پول (در گردش) در مباحث؛ مک کلاچ<sup>۱۴</sup> و ولوید<sup>۱۵</sup> (بعدها لرد اورستون<sup>۱۶</sup>)، لانگفیلد<sup>۱۷</sup>، جورج وارد نورمن<sup>۱۸</sup> و تورنر<sup>۱۹</sup> بودند. نورمن برای بیشتر سال‌های ۱۸۲۱-۲۲ مدیر بانک (مرکزی) انگلستان بود، افزون بر آن وی طی سال‌های ۱۸۳۰-۶، مدیر شرکت بیمه سان<sup>۲۰</sup> بود و در تجارت الوار با نروژ نیز فعال بود. نمایندگان اصلی مکتب بانکداری؛ توک<sup>۲۱</sup>، فولرتون<sup>۲۲</sup> و جان استوارت میل<sup>۲۳</sup> بودند، در حالی که جیمز ویلسون<sup>۲۴</sup> دیدگاه‌هایی داشت که دکتترین‌های مکتب بانکداری آزاد و مکتب بانکداری را توسعه می‌داد<sup>۲۵</sup>. برجسته‌ترین اعضای مکتب بانکداری آزاد؛ پارنل<sup>۲۶</sup> (سپس بارون کان گلتون)<sup>۲۷</sup>، جیمز ویلیام گیلبرت<sup>۲۸</sup> و پولت اسکروپ<sup>۲۹</sup> بودند. گیلبرت که یک بانکدار بود، مدیر کل بانک لندن و وست مینیستر<sup>۳۰</sup> نیز بود که نخستین بانک سهامی عام بود که براساس قانون منشور بانک<sup>۳۱</sup> مصوب ۱۸۳۳ مجوز فعالیت گرفت.

پاسخ مکتب بانکداری آزاد

به آخرین پرسش، منفی

و پاسخ دو مکتب دیگر

مثبت بود، دیدگاه‌های

این دو مکتب نیز

در این زمینه

بسیار متفاوت بود

همان طور که درباره پرسش

از قواعد در مقابل مقامات

نشان داده شد آن چه

میان مکاتب سه‌گانه

مورد اختلاف نبود

عملی بودن ۱۲۹

نظام استاندارد طلا

با تبدیل‌پذیری طلای

اسکناس‌های

بانک (مرکزی)

انگلستان بود

## اصل مکتب پول (در گردش)

هدف مکتب پول (در گردش) دستیابی به ثبات سطح قیمت بود، چه عرضه پول به طور کامل فلزی بود یا پول (در گردش) ترکیبی از اسکناس و پول فلزی بود. طبق نظر لوید، جریان‌های ورودی یا خروجی طلا در نظام پولی کاملاً فلزی دارای اثر فوری بر افزایش یا کاهش پول در گردش بود، در صورتی که پول ترکیبی می‌توانست به طور مناسبی عمل کند که جریان‌های ورودی یا خروجی طلا به طور دقیق با افزایش یا کاهش پول کاغذی برابری کند.<sup>۳۲</sup> وی و سایر نظریه‌پردازان مکتب پول (در گردش) افزایش سطح قیمت و کاهش ذخیره شمش طلا در نظام پولی ترکیبی را به عنوان نشانه‌های نشر بیش از حد اسکناس<sup>۳۳</sup> می‌دانستند. آن‌ها برای حصول اطمینان از این که پول کاغذی نه بیش از حد باشد نه ناکافی، از کنترل قانونی<sup>۳۴</sup> نشر اسکناس طرفداری می‌کردند، چون در غیر این صورت نوسان‌ها در پول (در گردش) گرایش‌های دوری در اقتصاد را بدتر می‌کرد. با این حال آن‌ها، نیازی به کنترل فعالیت‌های بانکداری غیر از انتشار اسکناس نمی‌دیدند.

مکتب بانکداری این مطالب را به چالش کشید. فولرتون<sup>۳۵</sup> انکار می‌کرد که انتشار بی رویه اسکناس در غیاب تقاضا امکان‌پذیر باشد و منکر آن بود که تغییرات در انتشار اسکناس بتواند سبب تغییرات در سطح قیمت داخلی شود یا این که چنین تغییراتی بتواند سبب کاهش ذخیره شمش طلا شود. ([۱۸۴۴]، ۱۹۶۹، صص ۲۷ و ۹-۱۲۸). در نظام پولی کاملاً فلزی و همچنین با وجود بانک با پول ترکیبی (فلزی و کاغذی) سپرده‌ها، ۱۵۸ برات‌ها<sup>۳۶</sup> و تمامی شکل‌های اعتبار می‌تواند بر قیمت‌ها اثر گذارد. افزون بر آن جریان‌های ورودی و خروجی طلا در نظام پولی کاملاً فلزی می‌تواند ذخایر شمش طلا را تغییر دهد اما قیمت‌ها را تغییر نمی‌دهد. اگر تبدیل‌پذیری حفظ شود، انتشار بیش از اندازه اسکناس امکان‌پذیر نیست و هیچ‌گونه کنترل قانونی انتشار اسکناس لازم نیست. تراز پرداخت‌های نامطلوب پدیده‌ای موقتی است و خود تصحیح‌کننده خواهد بود هنگامی که به‌عنوان مثال برداشت خوب محصول به دنبال برداشت بد محصول باید. طبق نظر مکتب بانکداری آزاد، امکان‌پذیری انتشار بی‌رویه اسکناس و تورم تنها در مورد اسکناس‌های بانک (مرکزی) انگلستان به کار رفته است، اما نمی‌تواند در نظام بانکداری رقابتی تحقق یابد.

## اصول مکتب بانکداری

مکتب بانکداری سه اصل را پذیرفته که راهی را برای پیروان مکتب بانکداری مشخص می‌کرد و بانک‌ها به آن عمل می‌کردند و آن مخالف اصل مکتب پول (در گردش) بود که به عنوان ساخته مصنوعی نویسندگان خاصی آن را تیزیرفته بودند. (وایت، ۱۹۸۴، صص ۲۸-۱۱۹).

نخستین اصل مکتب بانکداری، این دکتترین بود که بدهی‌های ناشی از سپرده‌ها و اسکناس‌ها هیچ‌گاه بیش از اندازه نخواهد بود اگر بانک‌ها دارایی‌های عایدی‌شان را به برات‌های واقعی محدود سازند. اتهامی<sup>۳۷</sup> که اقتصاددانان مدرن علیه این دکتترین وارد کرده‌اند، این است که مقدار پول و سطح قیمت را نامعلوم باقی می‌گذارد، زیرا عرضه پول را به مقدار اسمی برات‌های ارائه شده برای تنزیل پیوند می‌زند. برخی از اعضای این مکتب می‌توانند از این اتهام تبرئه شوند، اگر آن‌ها انگلستان را به عنوان یک اقتصاد کوچک و باز در نظر بگیرند، به این ترتیب که موجودی پول داخلی در آن اقتصاد یک متغیر وابسته باشد که

هدف مکتب پول (در گردش)  
دستیابی به ثبات سطح قیمت  
بود، چه عرضه پول به طور  
کامل فلزی بود یا پول (در  
گردش) ترکیبی از اسکناس و  
پول فلزی بود. طبق نظر لوید،  
جریان‌های ورودی یا خروجی  
طلا در نظام پولی کاملاً فلزی  
دارای اثر فوری بر افزایش یا  
کاهش پول در گردش بود، در  
صورتی که پول ترکیبی  
می‌توانست به طور مناسبی  
عمل کند که جریان‌های  
ورودی یا خروجی طلا به طور  
دقیق با افزایش یا کاهش پول  
کاغذی برابری کند



به وسیله آثار خارجی تعیین می‌شود. با این حال از آن جا که نقش میزان تنزیل در تعیین حجم برات‌های ایجاد شده در تجارت را نادیده می‌گیرد، این دکترین، آسیب‌پذیر است. افزون بر آن، مکتب بانکداری؛ تقاضای جریانی<sup>۳۸</sup> و جوه قابل قرض<sup>۳۹</sup>. که حجم برات‌ها تمایز آن است. را با تقاضای موجودی<sup>۴۰</sup> اسکناس‌های در گردش یا هم مخلوط کرده است. هر چند این دو مقدار، با یکدیگر متناسب نیستند.

اعضای مکتب بانکداری آزاد که دکترین برات‌های واقعی را نیز پذیرفته بودند، به اشتباه انتشار بیش از اندازه اسکناس در بانک انگلستان را به خرید دارایی‌های غیر از برات‌های واقعی نسبت می‌دادند، وقتی انتشار بیش از اندازه ممکن بود با پرتفوی که به برات‌های واقعی محدود شده بود، میزان بهره‌ای به دست می‌آمد که منجر به موجودی از واسطه در گردش (مبادله) شود که با سطح قیمت حاکم ناسازگار است. (گیلبارت، ۱۸۴۱، صص ۵-۱۰۳؛ ۲۰-۱۱۹). مکتب پول (در گردش) دکترین برات‌های واقعی را همراه‌کننده می‌دانست، چون می‌توانست افزایش تراکمی انتشار اسکناس و در نتیجه رشد قیمت‌ها را تشدید کند.

دومین اصل مکتب بانکداری دکترین نیازهای تجارت<sup>۴۱</sup> بود، به این معنا که میزان اسکناس در گردش را باید تقاضا تعیین کند. یعنی با رکود کسب و کار، تقاضای اسکناس کاهش می‌یابد و با رونق کسب و کار تقاضای اسکناس گسترش پیدا می‌کند، چه به دلایل فصلی باشد یا به دلیل وقوع دوره‌های تجاری. فرض ضمنی این دکترین آن بود که بانک‌ها می‌توانند یا نسبت‌های ذخیره‌شان را برای وفق دادن با بدهی‌های اسکناس بالاتر یا پایین‌تر تغییر دهند، یا در غیر این صورت تغییرات در بدهی‌های اسکناس را با تغییرات مخالف در بدهی‌های سپرده‌ها، خنثی کنند. به دلایل غیرفصلی در تقاضای اسکناس، این دکترین به طور ضمنی اظهار می‌دارد که بانک‌های در حال گسترش می‌توانند ذخایر زیادی از ملازادین منطقه‌ای<sup>۴۲</sup> حاصل از موازنه تجاری را به دست آورند. مکتب پول (در گردش) افزایش نیازهای تجاری را در واقع تقاضای نگاهداری اسکناس می‌دانست و افزایش‌های همراه آن در محصول و قیمت‌ها را مضر<sup>۴۳</sup>، قلمداد می‌کرد، چون در نهایت موجب فرار خارجی<sup>۴۴</sup> می‌شد، مکتب بانکداری آزاد جواب می‌داد که چنین مخالفتی را مکتب پول (در گردش) متناقض نما<sup>۴۵</sup> می‌داند، زیرا مزیت پول فلزی آن است که با خواسته‌های تجاری کشور وفق داده شده است و بنابراین برای آن که پول ترکیبی<sup>۴۶</sup> بتواند نیازهای تجارت را برآورده سازد، نمی‌تواند یک جانشین<sup>۴۷</sup> باشد. مخالفت مدرن با نیازهای دکترین تجارت به عنوان موافق دور تجاری<sup>۴۸</sup>، انعکاسی از دیدگاه مکتب پول (در گردش) است.

سومین اصل مکتب بانکداری، قانون

بازگشت<sup>۴۹</sup> است. طبق این قانون

انتشار بی‌رویه اسکناس تنها برای

دوره‌های محدود امکان‌پذیر

است، چون اسکناس‌ها بلافاصله

برای بازپرداخت وام به

ناشر



باز می‌گردد. این اصل، جرح و تعدیل دکترین برات‌های واقعی بود که توک<sup>۵۰</sup> و فولارتون<sup>۵۱</sup> آن را مطرح کرده بودند، زیرا پشتیبانی از این دکترین به ظاهر انتشار بی‌رویه اسکناس را غیرممکن می‌ساخت. آن‌ها هیچ تمایزی میان سرعت بازگشت برای بانک (مرکزی) انگلستان و بانک‌های رقابتی انتشار اسکناس، قائل نشدند. تمایزی که در قلب موضع بانکداری آزاد قرار داشت. از نظر مکتب بانکداری آزاد، اگر اسکناس‌ها در بانک‌های رقیب سپرده‌گذاری می‌شدند، بازگشت اسکناس‌های اضافی، سریع بود. این بانک‌ها سپس اسکناس‌ها را به بانک‌های ناشر آن باز می‌گرداندند و در نتیجه نقطه پایانی بر انتشار بی‌رویه اسکناس می‌گذاشتند. در مقابل، بانک (مرکزی) انگلستان می‌توانست برای دوره‌های طولانی بیش از اندازه اسکناس منتشر کند، چون هیچ رقیبی نداشت. با این حال فولارتون فرض توجیه‌ناپذیری را مطرح کرد مبنی بر این که اسکناس‌ها برای بازپرداخت وام‌های قبلی با سرعت بیشتری نسبت به تنزیل وام‌های جدید، به بانک باز خواهند گشت و از این‌جا انتشار بی‌رویه اسکناس تصحیح می‌شد. افزون بر آن فولارتون معتقد بود که اگر بانک با انجام خریدهای بازار باز، به طور بی‌رویه اسکناس منتشر کند، کاهش میزان بهره، جریان‌های خروجی سرمایه را به سرعت فعال خواهد کرد و آن نیز به نوبه خود شمش طلای بانک را کاهش می‌دهد و برای فرار آن راتحت فشار قرار می‌دهد. توک برای قانون بازگشت دلیل می‌آورد، باین استدلال که انتشار اضافی اسکناس ادامه نخواهد یافت اگر ترجیحات نگه دارندگان اسکناس به جای سپرده‌ها را برآورده نسازد.

مکتب بانکداری هیچ برنامه قانونی برای اصلاح نظام پولی نداشت.

مدیریت خوب بانک از دیدگاه این مکتب نمی‌توانست قانونی شود.

### اصل مکتب بانکداری آزاد

همان‌طور که از نام این مکتب به نظر می‌رسد، اصلی که مکتب بانکداری آزاد از آن طرفداری می‌کرد، تجارت آزاد در انتشار پول قابل تبدیل به مسکوک<sup>۵۲</sup> بود. اعضای این مکتب از این نظام مانند نظام بانکداری اسکاتلند طرفداری می‌کردند که در آن بانک‌ها در تمامی خدمات بانکی، از جمله انتشار اسکناس با یکدیگر در رقابت بودند و بانک مرکزی انحصار انتشار اسکناس را در اختیار نداشت. آن‌ها دلیل می‌آوردند که در چنین نظامی، بانک‌ها بدون محدودیت اسکناس منتشر نمی‌کنند بلکه در واقع حجم پایداری پول را فراهم می‌کنند. اگر چه هزینه‌های چاپ و انتشار، حداقل بودند، اما برای آن‌ها اسکناس‌ها در گردش باقی بماند، نیازمند برقراری محدودیت بر انتشار آن‌ها بود. روش بیشترین حد سود برای بانک‌های رقابتی عبارت بود از: حفظ اعتماد عمومی نسبت به انتشار اسکناس با حفظ تبدیل‌پذیری به پول مسکوک حسب تقاضا بود که آن هم نیازمند محدود کردن حجم پول بود.

واکنش لوید<sup>۵۳</sup> به استدلال به نفع تجارت آزاد در پول (در گردش) آن بود که برخلاف مبادلات معمول، آن چه در انتشار پول باید به دنبال آن باشیم، بیشترین حجم در ارزان‌ترین قیمت نیست بلکه حجم تنظیم شده‌ای از پول (در گردش) است. مکتب بانکداری آزاد انکار می‌کرد که بانکداری آزاد، پول (در گردش) را بی‌ارزش می‌کند و اظهار می‌کرد که تفکیک بانکداری از انتشار اسکناس که نظر مکتب بانکداری است، غیرعملی است. اسکروپ<sup>۵۴</sup> (۱۸۳۳a، صص ۳۳-۳۲) می‌پرسید که چرا مکتب پول (در گردش) مخالف انتشار نامنظم اسکناس است، اما مخالف نامنظم بودن سپرده‌ها نیست. اسکروپ این فرض لوید را زیر سؤال می‌برد که وظیفه انتشار پول در بانک، تولید پول است، در حالی که وظیفه اصلی بانک در واقع عبارت است از جایگزینی اسکناس‌های بانکی با برات‌های<sup>۵۵</sup> خصوصی کمتر شناخته شده که دارایی‌های بانک بودند. اسکروپ و سایر طرفداران بانکداری آزاد (پارنل، ۱۸۲۷، ص ۱۴۳) تمایز میان اسکناس بانکی فوراً تبدیل‌پذیر به طلا و برات

تجاری که ارزش آن طی زمان تا سر رسید و میزان تنزیل تغییر می کند، نادیده گرفتند. در مقابل نظر لوید، آن ها دلیل می آوردند که تجارت آزاد و رقابت، قابل کاربرد در خلق پول (در گردش) است. زیرا فعالیت بانک ها، تولید کالای کمیاب خوش نام است.

دومین مخالفت لوید با استدلال تجارت آزاد در بانکداری آن بود که تبعات ناشی از محاسبات نادرست ناشران پول، را خودشان تحمل نمی کنند بلکه منجر به پذیرفتن اسکناس هایی می شود که در معاملات متداول و تجارت به طور کلی در نتیجه نشر بی رویه، دریافت می کردند. پاسخ مکتب بانکداری آزاد به استدلال برون زایی ها<sup>۵۶</sup> آن بود که دارندگان اسکناس می توانند از پذیرفتن اسکناس ناشران بدنام خودداری کنند. همچنین زیان بانک ها می تواند مورد حمایت قرار گیرد اگر بانک های سهامی عام<sup>۵۷</sup> مجاز شوند در جایگاه بانک های کشور فعالیت کنند، در حالی که هم اکنون این بانک ها به شش شریک یا کمتر، محدود شده اند. افزون بر آن اگر بانک ها لازم باشد برای امنیت اوراق قرضه دولتی یا سایر دارایی ها سپرده گذاری می کنند، در آن صورت دارندگان اسکناس بیشتر مورد حمایت خواهند بود. (اسکروپ، ۱۸۳۲، ص ۴۵۵، ۱۸۳۳، ص ۴۲۴؛ پارنل، ۱۸۲۷، صص ۳۴-۱۴۰). اعضای مکتب بانکداری که در این راستا استدلال می کردند، نتوانستند تشخیص دهند که از این راه به نقش مداخله دولت در موضوعات مربوط به پول در گردش اذعان می کنند.

در دهه ۱۸۲۰ مکتب بانکداری آزاد مدافع بانکداری سهامی عام هم در فعالیت بانک های کشور و هم در رقابت مستقیم با اسکناس منتشر شده بانک (مرکزی) انگلستان در لندن بود. هر چند قاعده شش شریک برای بانک های ناشر اسکناس باید دست کم ۶۵ مایل از لندن فاصله داشتند، ولی در ۱۸۲۶ بعد از موج شکست های بانکی ملغی شد و بانک انحصار خود در گردش اسکناس را در منطقه لندن حفظ کرد. افزون بر آن به بانک اجازه داده شد تا شعبی در سراسر انگلستان تاسیس کند. بررسی پارلمانی در ۱۸۳۳ درباره تمدید منشور بانک به پرسش از طولانی تر کردن انحصار، جهت گیری شد. قانون ۱۸۳۳ ورود بانک های سهامی عام را در محدوده ۶۵ مایلی آسان کرد، اما حق انتشار و تولید اسکناس های بانکی که ابراء قانونی<sup>۵۸</sup> برای پرداخت اسکناس بانکی کشور باشد، از آن ها مضایقه شد. در عمل تضمین انحصار بانک سبب محکومیت بانکداری آزاد شد و سرانجام قانون منشور بانک در ۱۸۴۴ اعلام شد که طی آن بانک های سهامی عام و بانک های خصوصی موجود در انگلستان و ویلز انتشار اسکناس در گردش متوسط شان را طی یک دوره در ۱۸۴۳ محدود کردند. بانک انتشار اسکناس را بر عهده گرفت، در حالی که بیشتر به موجب قانون ممنوع شده بود.

### آیا انتشار بی رویه پول (در گردش) یک مسأله بود؟

شرکت کنندگان در مباحثات درک کردند که انتشار بی رویه پول به معنای موجودی اسکناس ها است، چه آن را یک ناشر عرضه کند چه همه بانک ها منتشر کنند، مازاد بر مقداری که نگه دارندگان پول به طور داوطلبانه انتخاب کردند تا با معین بودن سطح قیمت هایی که استاندارد طلای جهان تعیین می کند آن را به عنوان دارایی نگه دارند. آیا انتشار بی رویه پول قابل تبدیل، امکان پذیر است؟ طبق نظر مکتب بانکداری آزاد، تسویه اسکناس بین بانکی بانک های رقابتی برای حذف پول های مازاد منتشر شده را یک بانک واحد، انجام می دهد. مهار نشر پول مازاد توسط سیستم بانکی به عنوان یک کل، کاهش پول اضافی<sup>۵۹</sup> از طریق مکانیزم جریان قیمت - مسکوک<sup>۶۰</sup> بود. از این جهت، این مکتب اذعان کرد که نظام بانکداری رقابتی با انتشار بی رویه پول به عنوان یک کل، همان دستاوردی را به ارمغان می آورد که با وجود ناشر انحصاری به دست آمد با این حال آن ها معتقد بودند که انتشار بی رویه پول

پدیده ای است که انحصار بانک (مرکزی) انگلستان آن را تشویق می کرد اما نظام رقابتی تضعیف می شد.

از سوی دیگر مکتب پول (در گردش)، بانک (مرکزی) انگلستان و بانک (مرکزی) اسکاتلند و بانک های کشور را در نظر می گرفت، زیرا آن ها نیز به همان اندازه برای انتشار بی رویه پول مستعد بودند و بانک یا بانک ها به طور جمعی که می توانست از طریق سازوکار تسویه اسکناس بین بانکی انجام دهند، کنترل انتشار بی رویه آن را نمی پذیرفتند. برای آن ها کنترل ناشر انحصاری که عرضه پول به طور پایدار را منعقد شده بود، با نظام بانکداری متکثر<sup>۶۱</sup> قابل حصول نبود.

تیین توانایی بانک (مرکزی) انگلستان در انتشار بی رویه پول با مکتب بانکداری آزاد، متکی به نبود رقیب برای گردش (پول) بانک لندن بود، بنابراین هیچ گونه تسویه اسکناس بین بانکی تحقق نیافت؛ دلیلش نبود رقابت سپرده های دیداری با بهره<sup>۶۲</sup> در لندن؛ و این واقعیت بود که بانک های خصوصی لندن، اسکناس های بانکی را به عنوان ذخیره نگاهداری می کردند. بنابراین تقاضای اسکناس های بانکی، با کشش بود. مکتب بانکداری آزاد و مکتب پول (در گردش) موافق بودند که تاخیر اساسی وجود دارد، قبل از آن که برداشت خارجی<sup>۶۳</sup>، انتشار بی رویه را کنترل کند<sup>۶۴</sup>، بنابراین اقدام های بانک به طور اجتناب ناپذیری به اقتصاد خسارت وارد می کرد. اسکروپ (۱۸۳۰، صص ۶۰-۵۷)، که تمایل بانک به گسترش بی رویه انتشار اسکناس را به موضوع انحصاری بانک نسبت می داد، از لغو این وضع قانونی بانک، طرفداری می کرد. مکتب بانکداری پرسش از انتشار بی رویه پول را به عنوان پرسش نامناسب، رد می کرد، چون بر این باور بود که دارندگان اسکناس می توانند با سپرده گذاری اسکناس ها، به آسانی اسکناس های ناخواسته را مبادله کنند. آن چه آن ها در بررسی آن شکست خوردند، این امکان بود که مقادیر جمعی پولی<sup>۶۵</sup> می تواند بسیار وسیع تر در عرضه اضافی تحقق یابد که نتیجه اش برداشت خارجی<sup>۶۶</sup> است.

### پول چگونه باید تعریف شود؟

اعضای مکتب پول (در گردش) طرفدار تعریف پول به عنوان مجموع پول فلزی، پول کاغذی دولت و اسکناس های بانکی بودند. (نورمن، ۱۸۳۳، صص ۲۳ و ۵۰؛ مک کلاچ، ۱۸۵۰، صص ۷-۱۴۶). مکتب بانکداری آزاد مانند مکتب پول (در گردش) بر اسکناس های بانکی به عنوان واسطه مبادله همگانی<sup>۶۷</sup>، متمرکز شده بود و سپرده های دیداری که خارج از لندن معمولاً منوط به انتقال با چک نبودند، نادیده گرفته شده بودند. تعریف مکتب بانکداری از پول برخی اوقات وسیع تر از تعریف سایر مکتب ها و انمود می شود،



اما در واقع

محدودتر است، زیرا پول به پول فلزی و پول کاغذی دولت محدود شده است. اسکناس‌های بانکی و سپرده‌ها به حساب نیامده‌اند، چون آن‌ها به‌عنوان وسایل افزایش سرعت نقدینه صنلوق بانک به‌حساب می‌آمدند، نه به‌عنوان افزایش دهنده حجم پول. (توک [۱۸۴۸]، ۱۹۲۸، صص ۸۳-۱۷۱؛ فولرتون [۱۸۴۴]، ۱۹۶۹، صص ۲۶-۲۹؛ میل [۱۸۴۸]، ۱۹۰۹، صص ۵۲۳). در کوتاه‌مدت، این مکتب معتقد بود که تمامی شکل‌های اعتبار می‌تواند بر قیمت‌ها اثر گذارد، اما تنها پول آن‌گونه که تعریف شده است، می‌تواند در دراز مدت چنین کند، زیرا سطح قیمت داخلی می‌تواند تنها به‌طور موقتی از سطح جهانی قیمت‌هایی که استاندارد طلا تعیین کرده، دور شود.

### چرا دورهای تجاری تحقق می‌یابند؟

مواضع سه مکتب یاد شده دربارهٔ تکان‌هایی که دورهای تجاری را آغاز می‌کند برای اعضای این مکتب‌ها متعصبانه نبود. به‌طور کلی مکتب‌های بانکداری و پول (در گردش) بر این باور بودند که علل غیرپولی، دورهای تجاری را ایجاد می‌کنند، در صورتی که مکتب بانکداری آزاد علل پولی را ذکر می‌کرد؛ اما اعضای انفرادی بدون استثنا این خطوط تحلیلی را نمی‌پذیرفتند (hew). مک کلاچ (۱۹۳۷، صص ۶۳)، لوید (۱۸۵۷، صص ۳۱۷) و لانگفیلد (۱۸۴۰، صص ۳۲۳-۲۲۳) اساساً دورها را به موج‌های خوش‌بینی و بدبینی منتسب می‌کردند که در آن بانک‌ها با انبساط و انقباض انتشار اسکناس، واکنش نشان می‌دهند. در نتیجه بانک‌ها هیچ‌گاه توالی انبساط و انقباض را آغاز نمی‌کنند. بنابراین اصل تنظیم پول (در گردش) برای تثبیت قیمت‌ها و کسب و کار در مکتب پول (در گردش)، دلالت بر حذف دورها از این راه نمی‌کرد با این حال دورها دیگر به هیچ وجه با انقباض و گسترش پولی، تقویت نمی‌شدند، اگر بانک‌های کشور از حق انتشار پول محروم می‌شدند و گردش پول بانک (مرکزی) انگلستان در کنترل اصل پول (در گردش) در می‌آمد. تورنز (۱۸۴۰، صص ۳۱-۴۲)، برخلاف سایر اعضای مکتب پول (در گردش) دورهای تجاری را به اقدام‌های بانک (مرکزی) انگلستان منتسب می‌کرد. این، موضع مکتب بانکداری آزاد نیز بود، هر چند در یک کار اولیه، پارنل (۱۸۲۷، صص ۵۱-۴۸) از آن مکتب معتقد بود که دورها به‌وسیله عوامل غیرپولی ایجاد می‌شوند. با این حال از نظر مکتب بانکداری، عوامل غیرپولی هم منشا و هم سبب گسترش دورهای تجاری به‌حساب می‌آیند. به‌عنوان مثال توک (۱۸۴۰، صص ۲۴۵ و ۲۷۷)، معتقد بود که خوش‌بینی زیاد، گسترش اعتبار تجاری را موجب خواهد شد. در حالی که بانک‌ها به هیچ وجه مسؤول آن نبودند. در این صورت ضعف خوش‌بینی منجر به کاهش اعتبار تجاری خواهد شد. از نظر فولرتون [۱۸۴۴]، ۱۹۶۹، صص ۱۰۱) علل غیرپولی، موجب نوسان قیمت و تغییرات در گردش اسکناس، واکنش انفعالی است. طرفداران نظریه غیرپولی، در شروع دورهای تجاری هیچ تبیینی از موج‌های خوش‌بینی و بدبینی خودشان ارائه نکردند. از نظر مکتب بانکداری آزاد، این موج‌ها یا گسترش و کاهش نهایی بدهی‌های بانک (مرکزی) انگلستان تسریع می‌شد. در ابتدا اقدام‌های بانک، میزان بهره را کاهش داد و در نهایت آن‌ها را به بالا راند، همچنان که عرضه وجوه قابل قرض افزایش می‌یافت و سپس کاهش پیدا می‌کرد. موضع انحصاری بانک آن را قادر ساخت تا این‌گونه اختلالات پولی ایجاد کند، در حالی که بانک‌های رقابتی کشور چنین قدرتی نداشتند.

### آیا باید بانک مرکزی وجود داشته باشد؟

مکتب‌های بانکداری و پول (در گردش) موافق بودند که یک بانک مرکزی با حق انحصاری نشر پول، برای سلامت اقتصاد لازم است. مک کلاچ (۱۸۳۱، صص ۴۹) وجود نظام نهادهای رقابتی انتشار اسکناس را به‌عنوان عامل بی‌ثباتی ذاتی می‌دانست. توک (۱۸۴۰، صص ۲۰۷-۲۰۲) از ناشر انحصاری

پول طرفداری می‌کرد زیرا معتقد بود که به دلیل نگاه‌داری ذخایر کافی، ریسک نشر بی‌رویه را کاهش می‌دهد و ایمنی بیشتر ایجاد می‌کند. این دو مکتب در نیاز به یک قاعده برای تنظیم نشر اسکناس با یکدیگر تفاوت داشتند، مکتب پول (در گردش) به یک مرجع صلاحیت‌دار قاعده‌مند<sup>۶۸</sup>، و مکتب بانکداری به یک مرجع صلاحیت‌دار غیرملمزم<sup>۶۹</sup>، متعهد بودند. مکتب بانکداری آزاد مخالف پیروی از قاعده و همچنین قدرت بانک مرکزی بود، در عوض طرفدار نظام رقابتی انتشار اسکناس بود که خود تنظیم‌کننده آن است. برای آن مکتب، اثبات این که قدرت متمرکز نسبت به نظام رقابتی پست‌تر است، با نوسان‌های دوری که به وسیله خطاهای بانک (مرکزی) انگلستان ایجاد شده است، آشکار بود.

### تداوم مباحثه

قانون منشور بانک مصوب ۱۸۴۴ به حق نشر اسکناس برای بانک‌های جدید در انگلستان و ویلز پایان داد. با این حال با بانک‌های اسکاتلندی متفاوت با بانک‌های ایرلندی و با قانون ۱۸۴۴ رفتار شد. مانند بانک‌های ایرلند، گردش مجاز برای بانک‌های اسکاتلندی براساس متوسط یک دوره پایه تعیین شدند، اما می‌توانستند از گردش مجاز فراتر روند مشروط بر آن که ۱۰۰ درصد ذخایر مسکوک در مقابل مبالغ اضافی نگاه‌دارند.

این شرط برای بانک انگلستان نیز وضع شد.

بنابراین مکتب بانکداری آزاد طرفداری از هدف انتشار انحصاری اسکناس به وسیله بانک (مرکزی) انگلستان دست برداشت. در ۱۸۴۲ مرگ پارنل<sup>۷۰</sup> (رئیس برجسته پارلمان) به این واقعه آسیب رساند. سایر اعضای این مکتب بیشتر بانکداران کشور و بانک‌های سهامی عام بودند. این قوانین با محدود ساختن ورود به رشته فعالیت انتشار اسکناس و با متوقف شدن سهام بازار، منافعی به آن‌ها اعطا می‌کرد. (وایت، ۱۹۸۴، صص ۷۹-۷۸). اما صدای آن‌ها در مخالفت بلند نشد. تنها ویلسون منتقد مزایایی بود که به بانک انگلستان اعطا شده بود. ([۱۸۴۷] ۱۸۴۹، صص ۶۶-۳۴).

مکتب بانکداری نه تنها با این قانون مخالفت کرد بلکه مدعی حقانیت دیدگاهش بود و به تمویق انداختن آن در سال‌های ۱۸۴۷، ۱۸۵۷ و ۱۸۶۶ را ضروری می‌دانست. مکتب پول (در گردش) پاسخ داد که تعلق‌ها اهمیت زیادی ندارند. (لوید، ۱۸۴۸، صص ۹۴-۳۹۳). توصیه‌های مکتب پول (در گردش) حاکم شد تا حداکثری برای انتشار اسکناس بانکی کشور و انتقال متعاقب (نهایی) گردش آن‌ها به بانک (مرکزی) انگلستان تنظیم کند.

مباحث پولی که در دهه ۱۸۲۰ آغاز شدند. مباحث نهایی نبودند. هیچ دیدگاهی زمانش سپری نمی‌شود. بعد از گذشت مدت طولانی بعد از آن که شخصیت‌های اصلی مکاتب از صحنه خارج شدند، دکتربانک‌های مکتب‌های یاد شده حامیانی یافتند. حتی موضع مکتب بانکداری آزاد در مخالفت با انتشار انحصاری پول اشخاص<sup>۷۱</sup> که به نظر می‌رسید مدفون شده باشد، به تازگی طرفداران جدید آن را احیا کردند (وایت، ۱۹۸۴، صص ۵۰-۱۳۷). مباحثه مربوط به تمامی پرسش‌های مورد اختلاف در قرن نوزدهم همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد.

### مآخذ:

\* Anna J. Schwartz, 'Banking school, currency school, free Banking school,' PALGRAVE, Vol. 1, pp. 182-185.